

# بررسی نقش آزادسازی در ترویج کشاورزی

حسن درخشان

عضو هیئت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا، همدان

---

بسیاری از کشورها در دهه اخیر به سیاست آزادسازی روی آورده‌اند. نتایجی که از آزادسازی در کشورهای مختلف در بخشهای اقتصادی به دست آمده متفاوت بوده است. در این مقاله تاثیر آزادسازی در ترویج کشور از دیدگاه سیستمی مورد بررسی قرار گرفته است. یعنی نخست تاثیر آزادسازی در اقتصاد کلان کشور، سپس در بخش کشاورزی و بالاخره در زیربخش ترویج کشاورزی مورد بحث واقع شده است.

در این مقاله ترویج در قالب برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در نظر بوده و به عنوان آموزش غیر رسمی در قالب برنامه‌های آموزشی کشور مورد بررسی قرار گرفته است. در بحثهای مطرح شده از نتایجی که کشورهای دیگر از آزادسازی به دست آورده‌اند استفاده شده و ضمن بررسی وضعیت ترویج کشاورزی ایران در حالت کنونی و در وضعیت اجرای سیاست آزادسازی پیشنهادهایی نیز ارائه شده است.

---

سیاست آزادسازی یا خصوصی سازی در دهه اخیر به عنوان الگویی مورد قبول در برنامه های توسعه کشورهای جهان سوم و کشورهای سوسیالیستی سابق مطرح است. در کشور ما هم آزادسازی به عنوان یکی از محورهای اصلی دوران سازندگی بعد از جنگ و به عنوان یکی از سیاستهای برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی مورد توجه قرار گرفته است.

مسئله آزادسازی در محدوده بخش سهام و یا واگذاری کارخانجات دولتی به بخش خصوصی خلاصه نمی شود بلکه قطع سوبسید از طرف دولت به بخشهای مختلف تولیدی و کنار کشیدن دولت از دخالت مستقیم در بخشهای مختلف و محدود کردن وظائف خود در حد نظارت را نیز شامل می شود.

بخش کشاورزی از آنجا که نقش مهمی در تولید ناخالص ملی ایفا می کند و همچنین به سبب دارا بودن نقشی محوری در برنامه توسعه اقتصادی کشور از اهمیت خاصی برخوردار است، این اهمیت زمانی دوچندان می شود که حساسیت بخش کشاورزی را به لحاظ پیچیدگی تاثیر آزادسازی به نسبت بخشهای دیگر در نظر قرار دهیم.

موضوع ترویج کشاورزی که با عنایت مسئولین امر، به تدریج جان تازه ای می گیرد در سیاستگذاری جدید برنامه های دولت از حساسیت بسیاری برخوردار است. هرگونه برنامه ریزی حساب نشده ممکن است تاثیر نامطلوبی بر وضعیت ترویج کشاورزی و نهایتاً بخش کشاورزی داشته باشد. لذا لازم است سیاست آزادسازی در این رابطه مورد کنکاش و مذاقه قرار گیرد تا از تبعات منفی آن جلوگیری، و نتایج مثبتی حاصل شود.

## مفهوم آزادسازی :

آزادسازی با مفاهیم مختلفی مورد استفاده قرار می گیرد. آنچه که در این مقاله از معنای آزادسازی مورد نظر است عبارت است از :

۱) واگذاری فعالیتهای دولت به بخش خصوصی

۲) انتقال مالکیت از بخش دولتی به بخش خصوصی

۳) حذف هرگونه سوبسید مستقیم و غیر مستقیم از طرف دولت

برنامه آزادسازی در بخشهای صنعت و کشاورزی وضعیت کاملاً متفاوتی دارد، این تفاوت نه تنها در بخشهای پیشگفته بلکه در زیربخشهای آن نیز چشمگیر است. در صنایع دولتی به علت جدا بودن مدیریت و مالکیت، انگیزه سودآوری پایین است که در اثر آزادسازی انگیزه های سودآوری، تغییر در شیوه مدیریت

ایجاد خواهد شد که نقش مثبتی در رشد صنایع داشته و نهایتاً نقش مثبتی در تولید ناخالص ملی خواهد داشت. اما در بخش کشاورزی وضعیت به گونه دیگری است، چرا که فقط چیزی در حدود ۲ درصد از زمینهای زیر کشت تحت مالکیت دولت است و قسمت اعظم آن یعنی ۹۸ درصد از زمینهای زیر کشت به بخش خصوصی تعلق داشته و دولت مالکیتی نسبت به آنها ندارد. لذا آزادسازی در کشاورزی در دو زمینه معنا پیدا می کند:

الف) حذف سوبسید

ب) واگذاری فعالیتهای دولت به بخش خصوصی

### تعریف سوبسید:

یکی از مفاهیم و شاخصهای آزادسازی قطع سوبسید است که اخیراً در کشور ما این مفهوم یعنی قطع سوبسید به عنوان یکی از هدفهای سیاست اقتصادی دولت مورد توجه قرار گرفته است. «سوبسید عبارتست از پرداخت مستقیم یا غیرمستقیم دولتی، امتیاز اقتصادی، یا اعطای برتری ویژه‌ای که به موسسات خصوصی خانوارها و یا دیگر واحدهای دولتی جهت دستیابی به هدفهای مورد نظر دولت انجام می‌پذیرد.» (۱۷) تعریف دیگری از سوبسید «سوبسید از انواع پرداختهای انتقالی جهت جبران یا پرداخت قسمتی از قیمت کالا یا خدمات است که برای افزایش قدرت خرید مصرف کننده و یا افزایش قدرت فروش تولید کننده و کنترل آثار منفی آن به مصرف کننده توسط دولت یا سازمان مباشر انجام می‌پذیرد.» (۱۸)

### فلسفه سوبسید:

به طور خلاصه فلسفه سوبسید، حمایت از قشرهای ضعیف اقتصادی است، وقتی گروههای ضعیف اقتصادی نمی‌توانند روی پای خود بایستند، احتیاج به مساعدت دارند، در این صورت است که سیاست حمایتی از جانب دولت با هدف جلوگیری از اضمحلال این گروهها عمل می‌کند. به بیانی دیگر سوبسید را می‌توان ابزاری در جهت تعدیل اقتصادی در جریان عملکرد بازار تلقی کرد. «سوبسید شامل پرداختهای رفاهی است که جهت چاره‌اندیشی در مقابل نابرابری توزیع درآمد برنامه‌ریزی می‌شود و همراه با سایر برنامه‌های دولتی برای تعدیل آثار ناشی از فشارهای بازار طرح‌ریزی می‌شوند. بدون توجه به شکل ظاهری سوبسید، هدف آن تغییر نتایج ناشی از قیمت‌های آزاد و رقابت آزاد در برنامه‌ای هدایت شده است که با هدفهای سیاست دولت سازگاری بیشتری دارد، عمل سوبسید عبارتست از تشویق و رشد بخشهایی که

سوسید به آنها تعلق گرفته در مقابله با بخشهایی که از این مزیت بی بهره‌اند.» (۱۹)

### فلسفه لغو سوسید :

اگر فلسفه سوسید را آنچه ذکر شد بدانیم فلسفه لغو سوسید به رفع فلسفه سوسید برمی گردد. یعنی چنانچه اقشار ضعیف اقتصادی (چه تولید کننده و چه مصرف کننده) بتوانند روی پای خودشان بایستند و قدرت بگیرند در این وضعیت اجرای سیاست سوسید بیهوده بنظر می‌رسد و لغو آن جنبه طبیعی مسئله است. برداشتن سوسید در بخش کشاورزی چه وضعیتی را در رابطه با تولید کننده و مصرف کننده به وجود می‌آورد؟ «بخش کشاورزی تا گذشتن از دوران بلوغ و دستیابی به وضعیتی متعادل و توانا نیاز به حمایت قطعی در چارچوب اقتصاد کلان از مسیر منابع عمومی خواهد داشت. اما این حمایت باید منحصرأ از راههای تقویت زیربناها، ساختارها و تدبیرهای افزایش دهنده تولید تحقق پذیرد.» (۱۰)

حال این سوال مطرح است که آیا کشاورزان ما آنقدر تقویت شده‌اند تا بتوان هرگونه حمایتی را از آنان سلب و در بازار آزاد اقتصادی رها کرد.

حدود ۴۲/۶ درصد از جمعیت کشور ما در روستا زندگی می‌کنند که شغل غالب روستاییان کشاورزی است. «از ۲/۶۶۰/۰۰۰ بهره‌بردار کشاورز در مناطق روستایی در سال ۱۳۶۱ حدود ۳۲/۵ درصد کمتر از ۱ هکتار، ۱۵/۳ درصد ۱ تا کمتر از ۲ هکتار، ۲۳/۵ درصد ۲ تا کمتر از ۵ هکتار و ۱۵/۴ درصد ۵ تا کمتر از ۱۰ هکتار و در مجموع حدود ۸۷ درصد کمتر از ۱۰ هکتار زمین در اختیار داشته‌اند.» (۴) - با توجه به راندمان پایین تولید در غالب زمینهای کشاورزی مشخص می‌شود که اکثریت مطلق کشاورزان ما خرده مالکند و در حالی که متوسط درآمد سالانه یک خانوار شهری برحسب انواع درآمد خالص ۲/۰۱۰/۵۴۷ ریال بوده، متوسط درآمد سالانه یک خانوار روستایی برحسب انواع درآمد خالص فقط ۱/۲۵۱/۰۶۷ ریال بوده است که سهم درآمد کشاورزی از این مقدار ۴۹۹۷۱۷ ریال است. (۶)

اولاً با برداشتن سوسید این قشر ضعیف هم با درآمد اندک دچار تورم ناشی از برداشتن سوسید در کل کالاهای مورد نیاز می‌شود و هم تشهای خاص مربوط به تولید به طور مستقیم به او آسیب می‌رساند. ثانیاً با توجه به اینکه خانوار شهری ۲۳ درصد از درآمد خود را صرف مواد غذایی می‌کند و این میزان برای خانوار روستایی ۴۵ درصد است، برداشتن هرگونه سوسیدی در کشاورزی افزایش شدید قیمت مواد غذایی را به دنبال داشته و بعلت اینکه خانوار روستایی درصد بیشتری از درآمد خود را صرف مواد غذایی می‌کند فقر در جامعه روستایی خود را بیشتر نشان خواهد داد.

### تاثیر آزادسازی بر تولیدات داخلی :

وقتی صحبت از آزادسازی و تاثیر آن بر تولیدات داخلی به میان می آید مقصود حذف سوبسید از طرف دولت به واحدهای تولید است. چه این سوبسید به صورت مستقیم یا با فروش ارز به قیمت پایینتر از بازار آزاد باشد.

اگر ما تولیدات را در دو بخش صنعت (صنایع و معادن) و کشاورزی خلاصه کنیم با وضعیت متفاوتی روبرو خواهیم بود. در بخش صنعت به علت وابستگی شدید به خارج دولت با مشکل جدیدی روبروست این مشکل از چند جنبه قابل توجه است، که یکی از آنها تناسب دادهها و ستاندها است.

#### جدول شماره ۱:

#### وضعیت دادهها و ستاندها در بخش صنعت و کشاورزی در سال ۶۹، (۲)

بخش	دادهها	ستانده
صنعت	۳۳/۳	۱۹/۲
کشاورزی	۱۶/۹	۲۱/۵

جدول شماره ۱، نشان دهنده مزیت نسبی بخش کشاورزی نسبت به بخش صنعت است. به طوریکه جدول نشان می دهد در سال ۱۳۶۹ در مقابل ۳۳/۳ درصد دادهها<sup>۱</sup> فقط ۱۹/۲ درصد ستاندهها<sup>۲</sup> بوده در حالی که در بخش کشاورزی ۱۶/۹ درصد داده، ستانده ما ۲۱/۵ درصد بوده است.

از سوی دیگر «در برنامه اول برای بخش کشاورزی و منابع طبیعی در حدود ۸/۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ دلار ارز مستقیم اختصاص یافته بود (که در طول برنامه قسمتی از آنهم پرداخت نشد) در صورتی که میزان ارز اختصاص داده شده در بخش صنعت و معدن در همین برنامه ۲۶/۶ میلیارد دلار یعنی بیش از ۴/۵ برابر ارز اختصاصی به بخش کشاورزی بوده است.» (۹) و نتیجه عمل هم چنین شد که پس از اجرای طرح آزادسازی، بخش صنعت بار کود، کاهش تولید و بیکاری مواجه شد در حالی که بخش کشاورزی توانست رشد تولیدات خود را حفظ کرده و دربرخورد با مشکلات دیگر مقاومت بهتری کند.

#### پرداخت سوبسید به کشاورزان: (تجربه کشورهای دیگر)

تجربه کشورهای دیگر با رابطه آزادسازی اقتصادی نتایج متفاوتی را نشان می دهد اما اکثر کشورها با

مسئله تورم، فقر و بیکاری مواجه شده که عموماً همه این فشارها بر اقشار کم درآمد جامعه وارد می‌شود. مهمترین مشکل خصوصی سازی تأثیرات آن بر سطح زندگی اقشار کم درآمد در کشورهای در حال توسعه است. ۷۵ درصد کشورهای افریقایی که اقدام به خصوصی سازی کرده‌اند و تقریباً همین میزان از کشورهای امریکای لاتین که چنین برنامه‌هایی را اتخاذ کرده‌اند شاهد کاهش دستمزدها بوده‌اند در کشورهای بلوک شرق بهای انسانی گذار از نظام مالکیت خصوصی تقریباً غیر قابل تحمل است. در فاصله سالهای ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۲ به طور متوسط تولید در این کشورها ۴۰ درصد افت داشته است. نتیجه عمومی خصوصی سازی در کشورهایی که آمار مربوط به آنها در دسترس است، افزایش چشمگیر فقر بوده است. همین امر در مورد تعداد بیکاران صادق است. «(۲۰) - وضعیت تورم در کشورهای در حال توسعه به علت ایجاد مکانیسم آزادسازی غیر قابل انکار است به طوری که سازمان برنامه و بودجه نیز در گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۸ تحت عنوان تورم در کشورهای در حال توسعه می‌نویسد:

«در آرژانتین، برزیل، پرو و یوگسلاوی نرخ تورم در سال ۱۹۸۹ از مرز ۱۰۰۰ درصد گذشت که نشان دهنده اشتباه و خطا در سیاستگزاری در آن کشورها است. در لهستان نیز تورم شدیداً افزایش یافت (از ۶۰ درصد در سال ۱۹۸۸ به ۲۵۰ درصد در سال ۱۹۸۹) که این امر عمدتاً از حذف مکانیسم کنترل قیمت‌ها و اعطای سوبسیدها ناشی می‌شود.» (۱۲)

وقتی اقتصاددانان نئو کلاسیک بحث از حذف سوبسید می‌کنند، سیاست‌گذاران اقتصادی در کشورهای جهان سوم به این تصور که این سیاست در بازار آزاد کشورهای اروپایی علت رشد اقتصادی را فراهم کرده چنین سیاستی را برای کشورهای خود پیشنهاد می‌کنند. در حالی که آمار مطلبی غیر از این را نشان می‌دهد. «سازمان توسعه و همکاریهای اقتصادی به تازگی گزارشی از وضعیت میزان سوبسید پرداختی دولتها به کشاورزان را در سال گذشته (۱۹۹۲) تهیه کرده است. براساس این گزارش دولت نروژ برحسب هر نفر جمعیت این کشور نزدیک به ۱۰۰۰ دلار سوبسید به کشاورزان خود پرداخت کرده است و از این نظر در صدر کشورهای جهان قرار دارد. فنلاند، سوئیس و ژاپن نیز با پرداخت متوسط ۹۰۰ دلار، ۸۰۰ دلار و ۶۰۰ دلار سوبسید سرانه به کشاورزان خود، در مرتبه بعدی قرار دارند. براساس همین گزارش، جامعه اقتصادی اروپا، دولت آمریکا و دولت ژاپن در سال گذشته هر کدام به ترتیب با پرداخت ۱۵۶ میلیارد دلار، ۹۱ میلیارد دلار و ۷۴ میلیارد دلار سوبسید به کشاورزان خود جمعاً ۲۱۸ میلیارد دلار در این خصوص هزینه کرده‌اند.» (۱) - در کشورهای اروپایی پرداخت سوبسید به عنوان ابزاری در جهت رشد تولیدات کشاورزی و حذف آن به عنوان وسیله‌ای در جهت کاهش تولیدات مورد استفاده قرار می‌گیرد. «در اروپای متحد در چند سال گذشته برای جلوگیری از افزایش تولیدات کشاورزی به تدریج سیاستهای حذف سوبسید به عنوان عامل جلوگیری کننده در افزایش راندمان و تولید بعضی از محصولات کشاورزی اتخاذ شده

است» (۱۱)

## نتایج آزادسازی در الجزایر :

سید احمدغزالی نخست وزیر الجزایر در سخنرانی خود در برابر مجلس در رابطه با آزادسازی ضمن تاکید بر ادامه این سیاست نتایج آزادسازی در الجزایر را چنین بیان می کند :

«فعالیت اقتصادی در سال ۱۹۹۰ معادل ۲/۴ درصد کاهش یافت و سطح مصرف نیز ۵ درصد پایین آمد. با توجه به رشد جمعیت، این امر به معنای آن است که سطح زندگی در الجزایر معادل ۸ درصد پایین آمده است. رشد تورم همچنان ادامه دارد. براساس شاخص رسمی که از نرخ واقعی تورم کمتر است، نرخ تورم در سال ۱۹۸۹ معادل ۹/۲ درصد و در سال ۱۹۹۰ تولید اقتصادی معادل ۶۲ درصد ظرفیت بود. در سه ماه اول سال ۱۹۹۱ وضع تولید بازهم بدتر شد... ذخائر ارزی دولت به قدری کاهش یافته که سطح نازل ذخایر ارزی بانک مرکزی الجزایر، به یکی از مهمترین نگرانیهای دولت تبدیل شده است... عده بیکاران اینک ۱/۲۰۰/۰۰۰ نفر است و سالانه ۲۰۰/۰۰۰ نفر بر آن افزوده می شود.» (۱۴)

## نتایج آزادسازی در اروپای شرقی :

هنس<sup>۱</sup> و آتول<sup>۲</sup> ضمن بررسی وضعیت اقتصادی و نتایج آزادسازی در کشورهای اروپای شرقی نتیجه می گیرند که، «برچیده شدن صنایع پرهزینه جایگزینی واردات در شرایط آزاد در پی فرآیند آزادسازی قیمتها و لغو سوبسیدها چنانکه در واقع اخیراً در مجارستان و لهستان مشاهده شده است بیکاری انبوه و تورم بالایی را به دنبال خواهد داشت. بدین ترتیب می توان به این نتیجه رسید که مشکلات عمده تعدیل در این گروه از کشورهای کوچکتر عضو اتحادیه کومکون، دست کم در کوتاه مدت تا میان مدت علاوه بر تورم و بیکاری موجب تقاضای عظیمی برای ورود سرمایه خواهد بود.» (۲۲)

## نتیجه آزادسازی اقتصادی در ترکیه :

ترکیه یکی از کشورهایی است که جهت بهبود وضعیت اقتصادی خود به سیاست آزادسازی روی آورد. نتایج به دست آمده از کاربرد این سیاست می تواند برای بسیاری از کشورها سرمشق قرار گیرد. «برای تجدید ساختار و کارایی اقتصاد ترکیه سیاستهای آزادسازی اقتصادی به گونه ای گسترده به کار گرفته شده است. اما نتیجه و حاصل این اقدامات از لحاظ تاثیرشان بر اقتصاد حقیقتاً ناامید کننده بوده است. در عین اینکه توزیع در آمد بدتر شده، هدفهای مربوط به تجهیز منابع داخلی نیز تحقق نیافته است. رشد

قابل توجه صادرات نیز گهگاه به واسطه اعمال سیاستهای اقتصادی دیگر از قبیل سوسید و کمکهای مالی بوده که طبعاً در مقوله آزادسازیهای اقتصادی نمی‌گنجد.» (۱۶)

## وضعیت اقتصادی روستاهای ایران:

هنوز هم جمعیت عظیمی از مردم کشور ما در روستاها زندگی می‌کنند. رسیدگی به زندگی روستاییان از دو جنبه اساسی باید مورد توجه هرچه بیشتر قرار گیرد:

اولاً توجه به زندگی روستاییان به‌عنوان اینکه جمعیت کثیری از کشور را تشکیل می‌دهند خود از زمره وظائف تمامی دولتها به‌شمار می‌رود.

ثانیاً روستایی به‌عنوان تولید کننده محصولات کشاورزی مورد نظر است. وضعیت کشاورز و تولیدات کشاورزی اثر متقابلی بر یکدیگر داشته نه تنها تولیدات بیشتر وضعیت زندگی کشاورز را بهبود می‌بخشد بلکه عکس این جریان در پروسه تولید جنبه واقعی و عینی‌تری به‌خود می‌گیرد، یعنی تا وضعیت زندگی کشاورز از همه نظر بهبود پیدا نکند تولیدات کشاورزی هم بهبود نخواهد یافت. «آمار سالهای اخیر نشان می‌دهد که بخش کشاورزی و روستا که شامل ۴۶ درصد جمعیت کشور است و ۳۰ درصد اشتغال را فراهم می‌کند، فقط ۱۶ درصد درآمد ملی را تولید می‌کند حتی با فرض اینکه این عدد به ۲۰ درصد برسد و تمام آن هم به بخش روستا اختصاص داده شود متجاوز از ۸۰ درصد درآمد ملی به بخش شهری با ۵۴ درصد جمعیت اختصاص می‌یابد.» (۵)

برای کمی درآمد روستاییان علل بسیاری را می‌توان برشمرد که یکی از آنها کمی دانش کشاورزی و توجه نکردن به مسئله آموزش در روستاهاست. روستاهای ما چه در گذشته و چه در حال حاضر کمترین میزان سرانه بودجه آموزش و پرورش را مصرف می‌کنند و دیگر ارگانهای فرهنگی و آموزشی وضعیتی به‌مراتب نامناسب‌تر از آموزش و پرورش رسمی دارند. ترویج کشاورزی تنها ارگانی بوده است که به‌خاطر ماهیت خاص خود وضعیتی معکوس داشته و می‌تواند نقش به‌سزایی در ارتقا سطح علمی کشاورزان ایفا کند.

## تعریف ترویج کشاورزی

ترویج را به‌عنوان نظامی فرهنگی و آموزشی می‌توان تعریف کرد. مانند<sup>۲</sup> ترویج کشاورزی را این‌طور تعریف می‌کند: «ترویج کشاورزی سازمان و یا نظامی است که از طریق آموزش به روستاییان کمک می‌کند تا با بهبود روشها و فنون کشاورزی کارآیی تولید را بالا ببرند و درآمد را افزایش دهند و سطح زندگی را



بهبود بخشند و معیارهای آموزشی و اجتماعی زندگی در روستا را ارتقا دهند.» (۳) - نقش آموزش را در توسعه اقتصادی، اجتماعی نمی‌توان انکار کرد چرا که «چارچوب فرهنگی و آموزشی یک کشور مبنای توسعه اقتصادی آن کشور است. به هر میزان که ساختار جامعه به تربیت مردم می‌پردازد، همان میزان رشد و توسعه عمومی تحقق می‌یابد. توسعه در سرمایه، تکنولوژی، سطح پس‌انداز و نرخ سرمایه‌گذاری خلاصه نمی‌شود بلکه افزایش تواناییهای عمومی مردم هر کشور است که به توسعه می‌انجامد.» (۷)

## هدف ترویج:

هدف اصلی ترویج به عنوان نظامی آموزشی و تربیتی تغییر مطلوب در رفتار کسانی است که تحت آموزش قرار می‌گیرند. این تغییرات مطلوب در سه بعد دانش، بینش و مهارت فراگیران مورد نظر است. در این دیدگاه ما هرگز محور ترویج را تولید قرار نمی‌دهیم، بلکه محور تولید انسان است. بدین معنی انسانی که در دانش، بینش و مهارت او تغییر مطلوب صورت گرفته مالا در تولید خود هم تغییرات اساسی ایجاد خواهد کرد.

## بانک جهانی و آزادسازی در آموزش:

گزارش سال ۱۹۹۱ بانک جهانی که در مورد توسعه اقتصادی در جهان منتشر شده است به بررسی نحوه همکاری دولت و بازار در تدوین رهنمود توسعه متمایل به بازار (Strategy Market - Friendly) پرداخته و بر اساس آن گزارش در کشورهای در حال توسعه به‌طور کلی، در زمینه‌های آموزش و پرورش، مراقبت‌های بهداشتی، تغذیه و مشاوره در تنظیم خانواده نمی‌توان متکی به بازار بود.» (۱۵)

بانک جهانی که در محافل اقتصادی به‌عنوان طلیده‌دار سیاست آزادسازی در کشورهای در حال توسعه شناخته می‌شود رسماً اعلام می‌دارد که در چند زمینه از جمله آموزش و پرورش نمی‌توان متکی به بازار بود. ترویج کشاورزی به‌عنوان سیستم آموزش غیررسمی از حساسیتی بیشتر از سیستم آموزش و پرورش رسمی برخوردار بوده و لزوماً عدم اتکا به بازار آزاد به‌صورت مضاعف برای آن مطرح است.

## نظامهای ترویج کشاورزی:

وقتی از آزادسازی در ترویج کشاورزی صحبت می‌کنیم لاجرم به نظامهای ترویج کشاورزی توجه خواهیم کرد در این رابطه سه نوع نظام ترویجی را می‌توان مطرح کرد:

(۱) نظام ترویج دولتی

(۲) نظام ترویج نیمه دولتی

(۳) نظام ترویج خصوصی

## نظام ترویج دولتی:

نظام ترویج اکثر کشورهای جهان براساس این الگو است. کشور امریکا به عنوان اولین کشوری که ترویج کشاورزی را به عنوان نظامی آموزشی در جهان عرضه کرد و به عنوان نخستین کشوری که قانون ترویج کشاورزی را از مجلس گذرانید دارای نظام ترویج دولتی است. کشورهای دیگری مانند هندوستان، پاکستان، تایوان و بسیاری از کشورهای جهان سوم که گامهای بزرگی در راه افزایش عملکرد کشاورزی و علمی کردن آن برداشته اند نیز از این الگو تبعیت می کنند. البته باید توجه داشت که در کنار ترویج با هزینه دولت، بخش خصوصی به انحاء مختلف فعالیتهای آموزشی دارد که می توان آنرا در قالب آموزش ترویج محسوب کرد که به علت کم رنگ بودن این امور در قبال فعالیتهای سازمان یافته دولتی نمی توان آنرا به عنوان یک نظام معین تلقی کرد.

## نظام ترویج نیمه دولتی:

ترویج در نظام نیمه دولتی به این صورت است که ضمن اینکه ترویج به وسیله دولت ارائه می شود، قسمتی از هزینه به انحاء مختلف توسط خود کشاورزان تحت پوشش پرداخت می شود. نقش بخش خصوصی در ترویج به شکلهای مختلفی در کشورهای گوناگون اجرا می شود که به نمونه هایی اشاره می شود.

در کشور سوئد، دولت وظیفه ترویج کشاورزی را عهده دار بوده و وزارت کشاورزی طبق قانون موظف به ارائه برنامه های ترویجی است. اما در کنار آن در رابطه با فعالیت کشاورزی دهها انجمن، اتحادیه و شرکت تعاونی وجود دارد که اغلب کشاورزان در آن موسسات به طور فعال شرکت دارند. اغلب این موسسات خدمات مشورتی را به طور موازی با خدمات ترویجی دولتی عرضه می کنند... تا سال ۱۹۶۷ انجمنهای کشاورزی تنها سازمانهایی بودند که خدمات ترویجی را به کشاورزان در سراسر کشور عرضه می کردند قسمتی از هزینه این خدمات را دولت و حکومت محلی تامین می کرد و قسمتی دیگر از راه دریافت حق عضویت کشاورزان تامین می شد. «(۸) - نقش بخش خصوصی در کشورهایی مانند سوئد خیلی کم رنگ و از کانالهای مختلف انجام می گیرد اما در کشورهای دیگر وضعیت به شکلهای متفاوتی است. مثلاً در هلند دو نوع سازمان در امر ترویج فعالیت می کنند: بخشی بنام Technical Extension

Service که کلیه هزینه‌های آن توسط دولت پرداخت می‌شود و دیگری Social Economic Extension که توسط بخش خصوصی اداره می‌شود. اما آنچه که باید در وضعیت ترویج اروپا در نظر قرار داد برخوردار از فرهنگ علمی در بین کشاورزان اروپایی است در حالی که در کشور ما هنوز برای بسیاری از کشاورزان، کشاورزی به‌عنوان علم معنا ندارد و به‌شکل رفتارهای سنتی است که نسل به نسل به فرزندان آموخته می‌شود. در رابطه با عملکرد بخش خصوصی در ایران باید توجه داشت که یکی از معضلات امر ترویج و هرگونه آموزش به کشاورزان و جامعه روستایی احساس بی‌نیازی به آموزش است که در مقایسه آن با جامعه کشاورزان اروپایی که از نظر فرهنگ علمی در وضعیت دیگری قرار دارند کاملاً متفاوت است.

### نظام ترویج خصوصی:

مقصود ما از نظام ترویج خصوصی آن است که تمامی امور ترویج در کشور توسط بخش خصوصی اداره شود. هیچ کشوری در جهان وجود ندارد که نظام ترویج آن صددرصد خصوصی باشد.

### آزادسازی در ترویج کشاورزی ایران:

نظام ترویج کشاورزی در ایران دولتی است. چنانچه آزادسازی شامل ترویج کشاورزی هم بشود در موارد متعددی از تصمیم‌گیریها نقش موثری خواهد داشت.

روشهای آموزش ترویج که در ایران به کار می‌رود به قرار زیر است:

#### ۱) آموزش ترویج از طریق رادیو و تلویزیون:

سازمان رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی ایران کاملاً دولتی است. برنامه‌های ترویجی رادیو و تلویزیون نیز از این شبکه‌ها پخش می‌شود. بررسیهای نگارنده نشان می‌دهد علی‌رغم اهمیت این رسانه در ترویج به علت ضعفهای اساسی این روش با محدودیتهایی روبه‌روست که عبارتند از:

الف) برنامه‌های تلویزیون به صورت منطقه‌ای پخش نمی‌شود.

ب) ساعتهای پخش برنامه بسیار نامناسب است.

ج) چه در رادیو و چه در تلویزیون برنامه‌های آموزش ترویج در قالبهای مناسب ارائه نمی‌شود.

د) تعداد و زمان برنامه‌های ترویجی به نسبت برنامه‌های دیگر بسیار اندک است.

ه) فرهنگ آموزش‌پذیری و تغییر رفتار به‌وسیله رادیو و تلویزیون در بین کشاورزان مابین است.

پیشینی می‌شود که، در صورتی که شبکه‌های خصوصی ایجاد شود با توجه به بافت فرهنگی روستا استقبال کشاورزان از برنامه‌های ترویجی این شبکه‌ها بسیار اندک خواهد بود و نهایتاً ایجاد آن مقرون به‌صرفه نخواهد بود.

## ۲) آموزش ترویج از طریق نشریه‌ها:

نشریه‌ها یکی از وسایل ترویجی است. اکثر نشریه‌هایی که از طریق سازمان ترویج کشاورزی و یا جهاد سازندگی منتشر می‌شود با اخذ وجه در اختیار کشاورزان گذاشته می‌شود. چند نشریه ادواری کشاورزی هم توسط بخش خصوصی اداره می‌شوند. مخاطبان این نشریه‌ها هم گروه‌های خاصی هستند. لذا باید اذعان داشت هنوز نشریه‌ها جایگاه خود را در ترویج کشاورزی باز نکرده‌اند.

## ۳) اطلاعیه‌ها، پوسترها و...:

یکی از راه‌های ترویج کشاورزی استفاده از اطلاعیه‌ها، پوسترها، تراکت‌ها و... است که به مناسبت‌های مختلف توسط وزارتخانه‌ها و یا احیاناً به‌وسیله شرکت‌های خصوصی جهت تبلیغات منتشر می‌شود. نشر غیر تبلیغاتی جهت بخش خصوصی مقدور نیست و اخذ وجه آن از کشاورزان غیرممکن به‌نظر می‌رسد.

## ۴) آموزش ترویج از راه تشکیل کلاسهای سخنرانی:

یکی از متداولترین روش‌های آموزش ترویج در کشور ما تشکیل کلاسهای سخنرانی است. در این روش کشاورزان در مکان‌هایی مانند مسجد، مدرسه، مزرعه و یا جاهای دیگر اجتماع می‌کنند، مروج کشاورزی اغلب با کمک وسایل آموزشی از قبیل فیلم و پروژکتور و اسلاید به کشاورزان آموزش می‌دهند. این امر صدها درصد به‌وسیله بخش دولتی انجام می‌گیرد. استقبال کشاورزان از چنین کلاس‌هایی کاملاً رضایت‌بخش نیست. حال چنانچه این کلاس‌ها به بخش خصوصی سپرده شود تجربه‌های قبلی نشان می‌دهد که این فعالیت به تعطیلی خواهد انجامید.

## ۵) آموزش ترویج از طریق روش‌های نمایشی:

روشهای نمایشی دز آموزش ترویج به دو گونه‌اند:

#### الف) نمایش نتیجه‌ای: Resut Demonstration

در این روش، نتیجه کار کرد صحیح کشاورزی به کشاورزان نشان داده می‌شود. و به او آموخته می‌شود که چنانچه از تکنولوژی جدید کشاورزی استفاده کند نتیجه کار به چه شکلی خواهد بود. معمولاً این عمل به وسیله احداث مزارع نمونه و بازدیدهای علمی صورت می‌گیرد. ماهیت امر به صورتی است که اجرای آن برای بخش خصوصی امکانپذیر نیست.

#### ب) نمایش شیوه‌ای: Method Demonstration

در این روش مروج به صورت عملی در مراحل مختلف کاشت، داشت و برداشت محصول عملاً کشاورز را با تکنولوژی کشاورزی آشنا می‌کند و به او آموزش می‌دهد. طبق تحقیقات نگارنده موثرترین روش ترویج، این روش است. اما به علت محدودیتهایی که اجرای آن دارد کمترین استفاده را در بین روشهای ترویج دارد. اجرای این روش مستلزم نیروی متخصص با تجربه، بودجه کافی، تعداد مروجهای کافی و امکانات لازم است. لذا سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در این روش مقرون به صرفه به نظر نمی‌رسد.

### روش مشارکتی در ترویج کشاورزی ایران:

روشی که به نظر می‌رسد بخش خصوصی شاید بتواند در آن مشارکت داشته‌باشد به نام روش مشارکتی نامگذاری و به شکل زیر معرفی می‌شود.

مروج با کشاورز تماس می‌گیرد، اطلاعات اولیه از مزرعه و روش کشت و کار او را بررسی می‌کند، چنانچه از نظر مروج مشخص شود که عامل دانش و مدیریت در مزرعه وجود ندارد و یا اگر وجود دارد بسیار اندک است، می‌تواند با زارع صحبت کند و با او قرارداد ببندد. مروج دانش جدید و مدیریت را در مزرعه اعمال خواهد کرد تبعاً اضافه محصولی عاید کشاورز می‌شود، کشاورز نیز طبق قرارداد متعهد می‌شود که سهمی از این اضافه محصول را به مروج اختصاص دهد.

درآمد مروج را می‌توان به صورت زیر محاسبه کرد:

$$D = \frac{B - A}{C}$$

D درآمد مروج

B درآمد مزرعه با احتساب روشهای نوین کشاورزی (درآمد سال مشارکت)

درآمد مزرعه بدون احتساب روشهای نوین کشاورزی (براساس درآمد متوسط سالهای قبل) A

ضریب مورد توافق بین کشاورز و مروج C

این روش گرچه ممکن است در تئوری جالب به نظر برسد ولی بسیار خام و در اجرا با محدودیتهای بسیاری مواجه خواهد بود. لذا در صورتی که این روش مورد توجه مسئولان امر ترویج قرار گیرد به پیشنهادهای زیر توجه شود:

۱) این روش در نقاط مختلف کشور به صورت آزمایشی اجرا شده، و در حین اجرا و پس از آن نتایج دقیقاً تجزیه و تحلیل و حک و اصلاح شود و نهایتاً امکان اجرا، شرایط آن و یا امکان نداشتن اجرای آن مشخص شود.

۲) در صورت موفقیت این روش توأم با روشهای دیگر می تواند کاربرد داشته باشد.

۳) این روش در همه جا درخور استفاده نیست.

۴) چنانچه این روش با حمایت مالی دولت اجرا شود به نظر میرسد نتیجه بهتری داشته باشد. عموماً شرکتهای و کارخانههای دولتی سالانه متحمل زیانهای فراوانی می شوند. یکی از هدفهای آزادسازی جلوگیری از تحمل زیانهای وارد شده بردولت است و چنانچه شرکتهای دولتی به بخش خصوصی واگذار شود به درآمد دولت مقدار قابل ملاحظه‌ای افزوده خواهد شد و این بهترین فرصت جهت توجه به امور زیربنایی از جمله آموزش و بهداشت است که عموماً اولین قسمتی هستند که در هر تعدیل اقتصادی در زمان کمبود بودجه در کشورهای جهان سوم ضربه خواهد خورد. «اگر تمامی ضرری را که دولتها از اداره کارخانههای دولتی متقبل می شوند بعد از خصوصی سازی در اختیار برنامه‌های عمرانی مانند بهداشت و آموزش بگذارند بودجه این نوع برنامه‌ها افزایش چشمگیری خواهد یافت. به عنوان مثال: دولت آرژانتین می توانست سه برابر بودجه‌ای را که پیش از خصوصی سازی به بهداشت و آموزش اختصاص داده بود در این دو زمینه هزینه کند، این رقم در مورد لهستان و بنگلادش دو برابر است.» (۲۱)

جدول شماره ۲ نشان دهند وضعیتی است که تعدادی از کشورها را در موقعیتهای مختلف امکان سرمایه گذاری در آموزش و بهداشت را نشان می دهد.

پیشنهاد ما چنین است، حال که برنامه آزادسازی در کشور شروع شده، صرفجویی در هزینههای دولتی بسیار زیاد است. با توجه به آنچه گفته شد دولت نه تنها آزادسازی را در بخش آموزش (آموزش رسمی و غیر رسمی از جمله ترویج) و بهداشت تسری ندهد بلکه قسمتی از هزینههای صرفجویی شده در قبال آزادسازی در بخش صنایع را در اموری چون آموزش و بهداشت سرمایه گذاری کند. تحقیقات نشان می دهد اگر دولتها در این امور سرمایه گذاری کنند دقیقاً در جهت توسعه کشور عمل کرده اند و چنانچه بخواهند عکس این جریان عمل کنند به عقب افتادگی کشور کمک خواهند کرد.

جدول شماره: ۲

امکانات تاثیر خصوصی سازی بر هزینه‌های بهداشتی و آموزشی (آمار سال ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۰)

میزان افزایش هزینه‌های

زیان شرکتهای دولتی هزینه آموزش و پرورش بهداشت و آموزش اگر

نسبت به تولید ناخالص و بهداشت به نسبت تولید دولت متحمل زیان

کشور یا منطقه داخلی (درصد) ناخالص داخلی (درصد) شرکتهای دولتی نبود

۱۶۵	۵/۵	۹	آرژانتین
۱۱۸	۷/۶	۹	لهستان
۹۷	۳/۱	۳	بنگلادش
۸۷	۴/۶	۴	ترکیه
۲۷	۱۱	۳	مکزیک و مصر
۲۴	۸/۳	۲	فیلیپین و کنیا
۷۷	۶/۵	۵	افریقای سیاه

خلاصه و نتیجه گیری:

۱) تاثیر آزادسازی در ترویج رازمانی می‌توان به صحت تحلیل کرد که از دیدگاه سیستمی به مسئله نگرینست. یعنی تاثیر آزادسازی در بخش کشاورزی و نهایتاً در اقتصاد کلان مملکت مورد بررسی قرار گیرد.

۲) به علت اینکه فقط چیزی در حدود ۲ درصد از زمینهای کشاورزی در مالکیت دولت است لذا آزادسازی در کشاورزی بیشتر در خصوص حذف سوبسید تاثیر گذار است.

۳) اجرای سوبسید به عنوان يك اصل مسلم و جاری در اقتصاد مطرح نیست، بلکه وسیله درماني است جهت رفع نابرابریهای اقتصادی، حمایت از تولید کنندگان و مصرف کنندگان ضعیف.

۴) در جامعه‌ای با اقتصاد سالم، پویا و قوی که سر آن قشرهای ضعیف اقتصادی وجود ندارند. اجرای

سیاست سوبسید بی‌معنا و ناصحیح است.

۵) در جامعه‌ای با وجود قشرهای ضعیف اقتصادی برداشتن سوبسید باعث اضمحلال این قشرها شده و صحیح نیست.

۶) جامعه روستایی و به‌خصوص کشاورزان خرده‌مالک به‌عنوان قشرهای ضعیف جامعه تلقی می‌شوند.

۷) زمانی اجرای سیاست آزادسازی موفق خواهد بود که در تبیین سیستمی آمادگیهای اولیه پدید آید که مهمترین آن از بین بردن فقر و اجرای عدالت اجتماعی و رفع اختلاف شدید طبقاتی است.

۸) در بسیاری از کشورهایی که سیاست آزادسازی اعمال شده به‌خاطر نداشتن آمادگیهای اولیه نتیجه به فقر، بیکاری و تورم شدید انجامیده است.

۹) طبق نظریه افراطیترین ارگانهای حامی سیاست آزادسازی، در بخشهای آموزش و بهداشت دولت نباید حمایت خود را از آنها بردارد و آنها را در سیستم بازار آزاد رها کند.

۱۰) چنانچه سیاست آزادسازی در کشور اجرا شود دولت از جهت مالی می‌تواند صرفه‌جوییهای کلانی در هزینه‌ها کند. بهترین کار در جهت توسعه کشور، سرمایه‌گذاری هزینه‌های صرفه‌جویی شده در بخشهای آموزش و بهداشت است.

۱۱) ترویج کشاورزی به‌عنوان آموزش غیررسمی تاثیر زیادی در توسعه روستاها داشته و از اهمیت مضاعفی نسبت به آموزشهای رسمی برخوردار است.

۱۲) در هیچ کشوری از جهان نظام ترویج صددرصد خصوصی وجود ندارد و مسلماً کشور ما هم چنانچه در این راه گام بردارد موفق نخواهد شد.

۱۳) در کنار روشهای آموزشی قابل اجرا پیشنهاد می‌شود روش مشارکتی هم در مواردی جهت تحقیق و بررسی به‌محک آزمون گذاشته شود.

۱۴) هرگونه برنامه‌ای جهت تغییر سیستم ترویج کشاورزی باید متکی به تحقیقات اولیه باشد و پس از اثبات یا نفی آن قضاوت نهایی درباره آن انجام گیرد.

## منابع و ماخذ:

- ۱) پرداخت سوبسید به کشاورزان، ما و دیگران، مجله جهاد، مرداد ۱۳۷۲، شماره ۱۶۳، ص ۲.
- ۲) جلالی (رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی) بخش کشاورزی، توانایی، موقعیت و تعدیل اقتصادی (میزگرد)، مجله جهاد شماره ۱۶۳، مرداد ۱۳۷۲، ص ۴.



- ۳) رئوفی، بهرام، بررسی مسائل و مشکلات ترویج کشاورزی در ایران، مجموعه مقالات پنجمین سمینار علمی ترویج کشاورزی کشور، ص ۲۹۲.
- ۴) رزاقی، ابراهیم، ساختار کشاورزی ایران و تنگناهای آن از دیدگاه توسعه درونزا، اطلاعات سیاسی اقتصادی سال هفتم، شماره ۵ و ۶ بهمن و اسفند ۱۳۷۱، ص ۷۴.
- ۵) رونقی، حسنعلی، چاره‌اندیشی برای کمبودهای بخش کشاورزی (پلی‌کپی - مقاله ارائه شده در دومین سمپوزیوم سیاست کشاورزی ایران) دانشگاه شیراز، آبان ۱۳۷۲، ص ۲.
- ۶) سالنامه آماری کشور سال ۱۳۷۱، سازمان برنامه و بودجه، ص ۵۶۹.
- ۷) سریع‌القلم، محمود، اجماع نظر بین‌المللی پیرامون توسعه‌یافتگی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی سال هفتم، شماره ۱۲ و ۱۱، مرداد و شهریور ۱۳۷۲، ص ۹۲.
- ۸) سلمانزاده، سیروس، ترویج چندسویه، تجربه کشور سوئد و کاربرد آن برای ایران، پنجمین سمینار علمی ترویج کشاورزی کشور، سال ۱۳۷۰، تهران، سازمان ترویج کشاورزی، ص ۲۴۶.
- ۹) کبیری، بخش کشاورزی، تواناییها، موقعیت و تعدیل اقتصادی (میزگرد)، مجله جهاد، شماره ۱۶۳، مرداد ۱۳۷۲، ص ۱۰.
- ۱۰) کلانتری، عیسی، بازننگری در سیاست اقتصاد کشاورزی (مصاحبه)، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال ششم، شماره یکم و دوم، آبان ۱۳۷۰، ص ۷۷.
- ۱۱) کلانتری، همان‌ماخذ، ص ۷۶.
- ۱۲) گزارش اقتصادی سال ۱۳۶۸، سازمان برنامه و بودجه، آذر ۱۳۶۹، ص ۱۵.
- ۱۳) گزارش اقتصادی سال ۱۳۶۸، همان‌ماخذ، ص ۱۵.
- ۱۴) گزیده مسائل اقتصادی - اجتماعی، سال هشتم، شماره ۶ شهریور ۱۳۷۰، ص ۳۹.
- ۱۵) گزیده مسائل اقتصادی - اجتماعی، همان‌ماخذ، ص ۵۹.
- ۱۶) مروری بر تجربه ترکیه در زمینه آزادسازی اقتصادی و تعدیل ساختاری، ترجمه کورش صدیق، گزیده مسائل اقتصادی - اجتماعی، سال هفتم، شماره ۱۱ و ۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۶۹، ص ۳.
- ۱۷) موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی «سوبسید و پیشینه آن در ایران» تلخیص از مقتدر الانام روانبخش، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره هشتم و نهم، خرداد و تیر ۱۳۷۰، شماره ۴۶ و ۴۵، ص ۸۴.
- ۱۸) موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، همان‌ماخذ، ص ۸۴.
- ۱۹) موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، همان‌ماخذ، ص ۸۴.
- ۲۰) میرمطهری، نیره، مشارکت مردمی در توسعه انسانی نگاهی به گزارش دفتر عمران سازمان ملل،

فصلنامه گفتگو، شماره ۱، تیرماه ۱۳۷۲، ص ۱۳۱.

۲۱) میرمطهری، همان ماخذ، ص ۱۳۱.

۲۲) هنس لینمن و آتول سارما، دگرگونی اقتصادی در اروپای شرقی، سرآغاز فرآیند آزادسازی و اثر آن بر کشورهای در حال توسعه، ترجمه قدرت‌اله معمارزاده، گزیده مسائل اقتصادی - اجتماعی، سال هشتم، شماره ۶، شهریور ۱۳۷۰، ص ۳۹.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

- 1) In put
- 2) Out put
- 3) Hans
- 4) Atol
- 5) H. Maunder